

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و برزنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

سیاسی	Political
-------	-----------

نذیر دلسوز
۲۰ می ۲۰۱۵

کمونیست ها وظیفه دارند «شم سیاسی» شان را ارتقاء بخشند!

مطلب ذیل در فیسبوک از آقای «امیر شجاعی» به نشر رسید :

((بد نیست به خاطر داشته باشیم که سرکوبگرانه ترین شکل کنترول اجتماعی همیشه آن نیست که ما آگاهانه با آن مخالفیم بلکه آن شیوهی است که - بدون این که با مشکلی روبه روشود - خود را در فابریک آگاهی ما جای می کند و به صورت بخشی از طبیعت آن چه که هست درمی آید. «مایکل پارنتی» - برگرفته از "تبلیغ نادانی عمومی" نوشته "دیوید کرامول" ترجمه "احمد سیف"))

با در نظر داشت نوشته بالا از «مایکل پارنتی» این فشرده شکل گرفت - نذیر دلسوز

نگاهی به نکته بسیار فشرده ؛ اما بسیار ارزنده و پرمفهوم از ("مایکل پارنتی")

بلی ، این نکته نهایت مهم و ارزنده از "مایکل پارنتی" در خور ستایش و خواهان توضیح بیشتر ، به طور اخص برای نسل جوان که در پی ریختن بنیاد های محکم و استوار سیاسی اند ؛ می باشد .

در این جای هیچ گونه تردید نیست که رهبران فرجاد پرولتاریای جهان ، به خصوص لنین به این امر همواره پافشاری و تأکید ورزیده که رفیق ها «شم سیاسی» خود را باید ارتقاء داده بیاموزند که پولیس سیاسی را چگونه بشناسند و آنان را از حزب اخراج نمایند و یا مانع خزیدن آنان به درون حزب گردند

عوامل نفوذی دشمن [مثلاً در ایران ، «ساواک» شاه و هم اکنون نهاد های اطلاعاتی از جمله «واواک» آخوند های محیل و جنایتکار که اکثریت این مسخ شدگان خود از جمله اعضای بی ارزش «ساواک» شاه بودند ، و در کشور ما افغانستان عوامل خاد - یعنی پولیس سیاسی تحت فرمان نجیب جلال و آموزش دیده در شوروی رویزونیستی -] درست بدین گونه عمل می کردند و (هم اکنون که فعالند) به همین سان می کنند . این ها (پولیس سیاسی) با استفاده سلاح ایدئولوژیک وارد میدان شده ، زمانی که با شگرد های مختلف اطلاعاتی (استخباراتی) وارد محفل ، گروه ، سازمان و یا حزب کمونیست و یا هر حزب دیگری شدند ؛ آنگاه باشماری از افراد خودی و آموزش دیده به تدریج به داخل سازمان مورد نظر شبکه اطلاعاتی شان خزیده با پذیرش معیار های وضع شده آن سازمان و با عیار ساختن خود با چنین معیار های قبول شده به درون کمیته مرکزی آن سازمان رخنه کرده و در فرصت های مناسب با شیوه و شگرد های تکامل یافته اطلاعاتی ، با باز نمودن بحث های به ظاهر انقلابی در میان اعضای رهبری تشتت و آشفتگی فکری تئوریک و ... ، خلق نموده اندیشه از پیش ساخته و آماده شده کارشناسان و محققان کار آزموده «ساواک» یا «واواک» و یا «خاد» را در درون سازمان مورد نظر بخش می کنند و تلاش می ورزند در درون پیکره های

اساسی سازمان دسته بندی تباری قومی منطقه ئی زبانی و ... تفرقه های سکتاریستی خلق نمایند تا بتوانند سازمان دشمن را از درون تسخیر نمایند . در صورت عدم موفقیت در کار و بار شان ، انشعاب را بر سازمان تعمیل می نمایند. هر گاه از این بستر حرکی به مقصد شان نایل نشدند ، انقلابی های حرفه ئی را شناسائی نموده و توسط تیم موظف نهاد های اطلاعاتی مربوطه شان ترور می نمایند و سازمان را از درون با ضربات ساطور اطلاعات شقه شقه و پارچه پارچه می کنند .

در کشور ما نفوذی های خاد نهاد نامدار ، یعنی « سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما) » را به دو یا سه پارچه تقسیم کردند . نفوذی های خاد به سر دمداری چند تن از جمله «داکتر اعظم دادفر» (این عنصر نفوذی بعد از تجاوز امپریالیزم امریکا و شرکاء به افغانستان به سمت وزیر تحصیلات عالی و وزیر امور مهاجران در کابینه میهن فروش معروف - حامد کرزی - گمارده شد) . این ها طیف خاد نفوذی را زیر پوشش به اصطلاح «تازه اندیش» در درون «ساما» مسمی نموده سمت و سو داده بودند -کاری را که توده ئی های ایران در میان «چریک های فدائی خلق ایران» انجام دادند . بعد از قیام بهمن (در بهار سال ۱۳۵۸) زمانی که رفیق دراک و متبحر اشرف دهقانی متوجه نفوذ توده ئی ها در درون سازمان شد واز جابه جائی آنان در نقاط حساس و کلیدی سازمان اطلاع حاصل کرد به سان یک جراح کار آزموده بی درنگ بخشهای «سرطان زده» را از پیکر سازمان جدا کرده به زباله دان تاریخ ریخت و با جدائی از نفوذی ها اعلام موجودیت انقلابی نمود .

باید به این هم اشاره نمود که یکی دو تن از توده ئی های مخفی نفوذی ؛ حتا موفق شدند تا سطح رهبری « سازمان انقلابی حزب توده در خارج از کشور» (ارگان نشراتی «ستاره سرخ») خود شان را برسانند و با کسب هویت از اعتبار (اعتبار گذرا) این سازمان نامور با اعضای کمیته مرکزی جمهوری خلق چین هم مذاکره نمایند و به کشور کوبا بروند و از کمک های آن کشور هم مستفید شوند . اینها از کمک های بی شائبه و بدون پاداش این دو کشور استفاده کردند و اخبار مربوط به جریانات سیاسی و انقلاب فرهنگی و صحبت های خصوصی با رجل برجسته حزبی و دولتی چین و کوبا و سایر راز های مطرح شده و ممنوعه را در اختیار اعضای ارتباطی شان در خارج از کشور قرار دادند تا به سوسیال امپریالیست های شوروی برسد .

یک تن از اینها (محسن رضوانی) می باشد که در اخیر صحبت هایش با «حمید شوکت» کمونیزم را زیر سؤال برد ! معلوم نشد این توده ئی ها با ده ها هزار دالر (دولار) پول های امدادی کشور چین و کوبا چه کردند.

نذیر دلسوز ۱۸ می ۲۰۱۵

سایت مورد نظر <http://pecritique.com/2015/05/16/>